

مسألة ۱۳۰۷ - وقت نماز عید فطر و قربان از اول آفتاب روز عید است تا ظهر، ولی مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخواند و در عید فطر مستحب است بعد از بلند شدن آفتاب افطار کند و زکات فطره را بدهد و بعد نماز عید را بجا آورد.

مسألة ۱۳۰۸ - نماز عید فطر و قربان دو رکعت است، در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود، بعد دو سجده بجا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده بجا آورد و تشهد بخواند و سلام گوید.

مسألة ۱۳۰۹ - در قنوت این نماز هر دعایی کافی است، ولی مناسب است این دعا را به فصد ثواب بخواند: «اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَأَهْلَ الْقُوَّةِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ الثَّقْوَى وَالْمَنْفِرَةِ اسْتَلْكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَرَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَكَرَامَةً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَلْتُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ بِمَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ»

مسألة ۱۳۱۰ - مستحب است در نماز عید فطر و قربان امور زیر را به امید ثواب پروردگار رعایت کند:

- ۱ - قرائت نماز عید را بلند بخواند.
- ۲ - بعد از نماز دو خطبه بخواند که با خطبه‌های نماز جمعه تفاوتی ندارد تنها تفاوتش در این است که در نماز جمعه قبل از نماز و در نماز عید بعد از نماز خوانده می‌شود (و این خطبه در صورتی است که نماز را با جماعت بخواند).
- ۳ - در این نماز سوره مخصوصی شرط نیست، ولی بهتر است در رکعت اول سوره «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» و در رکعت دوم سوره «وَالشَّمْسِ» بخواند.
- ۴ - در روز عید فطر قبل از نماز عید با خرما افطار کند و در عید قربان بعد از نماز قدری از گوشت قربانی بخورد.
- ۵ - پیش از نماز عید غسل کند و ده‌هایی که قبل از نماز و بعد از آن در کتب دعا آمده بخواند.

- ۶ - در نماز عید بر زمین سجده کند و در مرفع گفتن تکبیرها دستها را بلند کند.
- ۷ - بعد از نماز مغرب و عشا در شب عید فطر و بعد از نماز صبح و ظهر و عصر روز عید و نیز بعد از نماز عید فطر این تکبیرها را بگوید: **اَللّٰهُ اَكْبَرُ ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَلِلهِ الْحَمْدُ ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ عَلٰی مَا هَدَانَا .**
- ۸ - در عید قربان بعد از ده نماز که اول آنها ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است، همان تکبیرها را بگوید و بعد از آن اضافه کند: **اَللّٰهُ اَكْبَرُ عَلٰی مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْاَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَبْلَاَنَا وَلِیْ اِیَّهَا رُزْقًا** در منی باشد این تکبیرات را بعد از پانزده نماز می گوید که اول آن نماز ظهر روز عید و آخر آن نماز صبح روز سیزدهم ذی الحجه است.
- ۹ - نماز عید را در فضای باز بخواند نه زیر سقف.
- مسألة ۱۳۱۱ - اگر در تکبیرهای نماز و قنوتهای آن شک کند چنانچه از محل نگذشته بنا بر کمتر بگذارد و اگر بعد معلوم شود که گفته بود اشکال ندارد.
- مسألة ۱۳۱۲ - اگر از روی سهو، قرائت، یا تکبیرها، یا قنوتها را فراموش کند و بعد از رفتن به رکوع یادش بیاید نمازش صحیح است.
- مسألة ۱۳۱۳ - اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند احتیاط واجب آن است که بعد از نماز آن را بجا آورد و اگر کاری کند که در نمازهای روزانه سجده سهو دارد احتیاط واجب آن است که سجده سهو را بعد از نماز بجا آورد.

## مسائل روزه

### وجوب روزه

- مسألة ۱۳۱۲ - در هر سال واجب است همه افراد مکلف یک ماه مبارک رمضان را به شرحی که در مسائل آینده گفته می شود روزه بدارند.
- مسألة ۱۳۱۵ - روزه آن است که انسان برای اطاعت فرمان خدا، از اذان صبح تا مغرب، از چیزهایی که روزه را باطل می کند و شرح آن در مسائل بعد می آید خودداری کند.

### نیت

- مسألة ۱۳۱۶ - روزه از عبادات است و لازم است با نیت بجا آورده شود، در موقع نیت لازم نیست به زبان بگوید، یا از قلب خود بگذارند همین اندازه که در نظرش این باشد که برای اطاعت فرمان خدا از اذان صبح تا مغرب کارهایی که روزه را باطل می کند ترک نماید کافی است.
- مسألة ۱۳۱۷ - باید احتیاطاً کمی قبل از اذان صبح و کمی هم بعد از مغرب از انجام این کارها خودداری کند تا یقین حاصل کند که تمام این مدت را روزه داشته است.
- مسألة ۱۳۱۸ - کافی است که در هر شب از ماه مبارک رمضان برای روزه فردا نیت کند، ولی بهتر است که در شب اول ماه، علاوه بر این، نیت روزه همه ماه را نیز بنماید.
- مسألة ۱۳۱۹ - نیت وقت معینی ندارد، بلکه هر موقعی تا قبل از اذان صبح نیت کند کافی است و همین که برای خوردن سحری بر می خیزد و اگر از او سئوال شود منظور چیست؟ بگوید: قصد روزه دارم، کافی است.
- مسألة ۱۳۲۰ - وقتی نیت برای روزه مستحبی در تمام روز نیز ادامه دارد حتی اگر مختصری به مغرب باقی مانده باشد و تا آن موقع کارهایی که روزه را باطل می کند انجام نداده است می تواند نیت روزه مستحبی کند و روزه او صحیح است.
- مسألة ۱۳۲۱ - اگر در ماه رمضان نیت را فراموش کند چنانچه تا قبل از اذان ظهر یادش بیاید و فوراً نیت کند و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد روزه اش صحیح

است، اما اگر بعد از ظهر نیت کند صحیح نیست.

مسألة ۱۳۲۲ - هرگاه کسی بخواهد روزه‌ای غیر از روزه ماه رمضان بجا آورد باید آن را معین کند، مثلاً نیت کند روزه قضا می‌گیرم، یا روزه نذر بجا می‌آورم ولی در ماه مبارک رمضان همین اندازه که نیت کند فردا را روزه می‌گیرم کافی است، بلکه اگر نداند ماه رمضان است یا بداند و فراموش کند و روزه دیگری را قصد کند روزه ماه رمضان حساب می‌شود، بی‌اگر عمداً در ماه رمضان نیت روزه غیر ماه رمضان را کند (در حالی که می‌داند در ماه رمضان روزه غیر ماه رمضان صحیح نیست) روزه او باطل است، یعنی نه از رمضان حساب می‌شود و نه از غیر آن.

مسألة ۱۳۲۳ - لازم نیست در موقع نیت، معین کند که روز اول ماه است یا دوم یا غیر آن، حتی اگر روزی را تعیین کند مثلاً بگوید به نیت روز دوم ماه روزه می‌گیرم بعد معلوم شود سوم بوده، روزه او صحیح است.

مسألة ۱۳۲۴ - اگر پیش از اذان صبح نیت روزه کند و بعد بیهوش یا مست شود و در بین روز به هوش آید در حالی که هیچ کار خلافی بجا نیاورده، احتیاط واجب آن است روزه آن روز را تمام کند و قضای آن را هم بجا آورد.

مسألة ۱۳۲۵ - اگر نداند یا فراموش کند ماه رمضان است و روزه نگیرد و بعد از ظهر ملتفت شود و یا قبل از ظهر در حالی که افطار کرده باشد، باید به احترام ماه رمضان تا مغرب کارهایی که روزه را باطل می‌کند ترک نماید و بعد از ماه رمضان آن روز را قضا کند.

مسألة ۱۳۲۶ - اگر کودکی پیش از اذان صبح بالغ شود باید روزه بگیرد و اگر بعد از اذان بالغ شود و کاری که روزه را باطل کند انجام نداده باشد احتیاط واجب آن است که روزه را بگیرد و بعد هم قضا کند.

مسألة ۱۳۲۷ - کسی که روزه قضای ماه رمضان یا روزه واجب دیگری بر ذمه دارد جایز نیست روزه مستحبی بگیرد و اگر فراموش کند و روزه مستحبی بگیرد چنانچه قبل از ظهر بادش بیاید می‌تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند، ولی اگر بعد از ظهر باشد روزه او باطل است.

مسألة ۱۳۲۸ - کسی که برای روزه شخص مرده‌ای اجبر شده می‌تواند روزه مستحبی برای خودش بگیرد.

مسألة ۱۳۲۹ - اگر غیر از روزه ماه مبارک روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد، مثلاً نذر کرده روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه عمداً تا اذان صبح نیت نکند روزه اش باطل است، ولی اگر یادش برود پیش از ظهر یادش بیاید می تواند نیت کند.

مسألة ۱۳۳۰ - هرگاه روزه واجب غیر معین بر ذمه دارد (مانند روزه قضای ماه رمضان یا روزه كفاره) وقت نیت آن تا ظهر باقی است، یعنی چنانچه چیزی که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و قبل از ظهر نیت کند روزه او صحیح است.

مسألة ۱۳۳۱ - هرگاه کافری در ماه رمضان پیش از ظهر مسلمان شود چنانچه تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد بنا بر احتیاط واجب روزه بگیرد و قضا هم ندارد، همچنین اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد باید نیت روزه کند و احتیاطاً قضا هم نماید، ولی اگر بعد از ظهر خوب شود روزه آن روز واجب نیست فقط باید قضای آن را بجا آورد.

مسألة ۱۳۳۲ - «یوم الشک» یعنی روزی که انسان شک دارد آخر ماه شعبان است یا اول ماه رمضان، روزه آن واجب نیست و اگر بخواهد روزه بگیرد باید نیت ماه شعبان کند، یا اگر روزه قضا به ذمه دارد نیت قضا کند و چنانچه بعداً معلوم شود ماه رمضان بوده از رمضان حساب می شود، ولی اگر در اثناء روز بفهمد باید فوراً نیت خود را به روزه ماه رمضان برگرداند.

مسألة ۱۳۳۳ - هرگاه در ماه رمضان یا هر روزه واجب معین دیگری، از نیت روزه برگردد یا مردد شود که روزه بگیرد یا نه، روزه اش باطل می شود، همچنین اگر نیت کند چیزی که روزه را باطل می کند بجا آورد، مثلاً تصمیم بر خوردن غذا بگیرد، روزه اش باطل می شود، هر چند اصلاً غذا هم نخورد، مگر اینکه در آن حال توجه نداشته باشد که فلان عمل روزه را باطل می کند.

مسألة ۱۳۳۴ - در روزه مستحب و همچنین روزه واجبی که وقت آن معین نیست (مانند روزه قضا) اگر قصد کند یکی از مبطلات روزه را انجام دهد یا مردد شود که بجا آورد یا نه، چنانچه بجا نیاورد و پیش از ظهر دوباره نیت کند روزه اش صحیح است.

### کارهایی که روزه را باطل می کند

مسألة ۱۳۳۵ - کارهایی که روزه را باطل می کند بظاهر احتیاط نه چیز است:

- خوردن و آشامیدن ۲ - جماع ۳ - استمناء ۴ - دروغ به خدا و پیغمبر و امامان یسین
- ۵- رساندن غبار غلیظ به حلق ۶ - فرو بردن سر در آب ۷ - باقی ماندن بر جنابت یا حیض
- انفاس تا اذان صبح ۸ - اماله کردن با مایعات ۹ - فی کردن عمدی که شرح احکام آنها در
- ...اتل آینده به خواست خدا بیان می شود.

#### ۱ - خوردن و آشامیدن

مسألة ۱۳۳۶ - خوردن و آشامیدن از روی عمد روزه را باطل می کند، خواه از چیزهای معمولی باشد مانند نان و آب و یا غیر معمولی مانند برگ درختان، کم باشد یا زیاد، حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورده، دوباره داخل دهان کند و رطوبت آن را فرو برد روزه اش باطل می شود، مگر آنکه رطوبت مسواک کم باشد و در آب دهان از بین برود.

مسألة ۱۳۳۷ - اگر هنگامی که مشغول خوردن غذا یا نوشیدن آب است بفهمد صبح شده، باید آنچه را در دهان است بیرون آورد و اگر عمداً فرو برد روزه اش باطل است و کفاره نیز دارد.

مسألة ۱۳۳۸ - خوردن و آشامیدن از روی سهو و فراموشی روزه را باطل نمی کند.

مسألة ۱۳۳۹ - احتیاط واجب آن است که روزه دار از تزریق آمپولها و سرمههایی که به جای غذا یا دوا به کار می رود خودداری کند، ولی تزریق آمپولهایی که عضو را بی حس می کند اشکالی ندارد.

مسألة ۱۳۴۰ - کسی که می خواهد روزه بگیرد بهتر است پیش از اذان صبح دندانهایش را بشوید و خلال کند و اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می رود احتیاط واجب آن است که قبلاً آن را بشوید و خلال کند و اگر نکند و غذا فرو رود روزه را تمام کند و بعد قضا نماید.

مسألة ۱۳۴۱ - فرو بردن آب دهان، هر چند به واسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد، روزه را باطل نمی کند، و فرو بردن اخلاط سر و سینه تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد، اما اگر داخل فضای دهان شود احتیاط واجب آن است که آن

را فرو نبرد.

مسألة ۱۳۴۲ - جویدن غذا برای بچه و همچنین چشیدن غذا و مانند آن و شستشوی دهان با آب یا داروها اگر چیزی از آن فرو نرود روزه را باطل نمی‌کند و اگر بدون اراده به حلق برسد اشکالی ندارد، ولی اگر از اول بداند بی اختیار به حلق می‌رسد روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره دارد.

مسألة ۱۳۴۳ - اگر روزه دار به اندازه‌ای تشنه شود که طاقت تحمل آن را ندارد و یا ترس بیماری و تلف داشته باشد، می‌تواند به اندازه ضرورت آب بنوشد، ولی روزه او باطل می‌شود و اگر ماه رمضان باشد باید بقیه روز را امساک کند.

مسألة ۱۳۴۴ - انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف، روزه را بخورد ولی اگر به قدری ضعف پیدا کند که تحمل آن بسیار مشکل شود، می‌تواند روزه را بخورد و همچنین اگر خوف بیماری داشته باشد.

## ۲ - جماع

مسألة ۱۳۴۵ - جماع (نزدیکی با زن) روزه هر دو طرف را باطل می‌کند، هر چند فقط به مقدار خسته گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید و اگر کمتر از آن باشد و منی هم بیرون نیاید باطل نمی‌شود و هرگاه شک کند که این مقدار داخل شده یا نه روزه‌اش صحیح است.

مسألة ۱۳۴۶ - هرگاه از روی فراموشی جماع کند و با از روی اجبار به طوری که هیچ اختیاری نداشته باشد، روزه باطل نمی‌شود، ولی چنانچه در بین جماع بادش بیاید، یا اجبار بر طرف شود، باید فوراً ترک کند و الا روزه او باطل است.

## ۳ - استمناء

مسألة ۱۳۴۷ - اگر روزه دار با خودکاری کند که منی از او بیرون آید روزه‌اش باطل می‌شود، اما اگر بی اختیار در حال خواب یا بیداری بیرون آید، روزه باطل نمی‌شود.

مسألة ۱۳۴۸ - هرگاه روزه دار می‌داند که اگر در روز بخوابد محتلم می‌شود، یعنی در خواب منی از او بیرون می‌آید، جایز است بخوابد و چنانچه محتلم شود برای روزه او اشکالی ندارد.

مسألة ۱۳۴۹ - هرگاه روزه دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند.

مسألة ۱۳۵۰ - شخص روزه داری که محتمل شده می تواند بول و استبراء از بول کند هر چند می داند به واسطه آن باقیمانده منی از مجری بیرون آید، حتی اگر غسل کرده باشد این کار برای روزه اش ضرری ندارد هر چند با خارج شدن باقیمانده منی از مجری باید مجدداً غسل کند.

مسألة ۱۳۵۱ - روزه داری که محتمل شده اگر بداند منی در مجری باقیمانده و در صورتی که پیش از غسل بول نکند بعد از غسل منی بیرون می آید بهتر است قبلاً بول کند ولی واجب نیست.

مسألة ۱۳۵۲ - اگر روزه دار به قصد بیرون آمدن منی استمناء کند روزه اش باطل می شود هر چند منی از او بیرون نیاید.

مسألة ۱۳۵۳ - اگر روزه دار بدون قصد بیرون آمدن منی مثلاً با همسر خود بازی و شوخی کند در صورتی که عادت نداشته باشد که به این مقدار بازی و شوخی منی از او خارج شود روزه اش صحیح است، ولی اگر اتفاقاً منی بیرون آید روزه اش اشکال دارد، مگر اینکه قبلاً مطمئن بوده که منی از او خارج نمی شود.

#### ۴ - دروغ بستن به خدا و پیامبر

مسألة ۱۳۵۴ - هرگاه روز دار دروغی به خدا و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان معصوم او (علیهم السلام) نسبت دهد خواه با گفتن باشد، یا نوشتن، یا اشاره و مانند آن، بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل می شود، هر چند بلافاصله توبه کند، دروغ بستن به سایر انبیا و فاطمه زهرا (علیها سلام) نیز همین حکم را دارد.

مسألة ۱۳۵۵ - هرگاه بخواهد خبری را نقل کند که از راست یا دروغ بودن آن اطلاعی ندارد، باید از کسی که آن خبر را گفته، یا از کتابی که در آن نوشته شده نقل نماید، مثلاً بگوید: فلان راوی چنین می گوید و یا در فلان کتاب چنان نوشته شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود ....

مسألة ۱۳۵۶ - اگر چیزی را به اعتقاد اینکه راست است از قول خدا یا پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل کند



و بعد بهفمد دروغ بوده روزه اش صحیح است، ولی به عکس اگر چیزی را دروغ می دانست و به خدا و پیغمبر نسبت داد و بعداً معلوم شد صحیح بوده، روزه اش اشکال دارد.

مسألة ۱۳۵۷ - اگر دروغی را که دیگری ساخته عمداً به خدا و پیغمبر ﷺ نسبت دهد روزه اش اشکال دارد.

مسألة ۱۳۵۸ - اگر از شخص روزه دار سوال کنند که آیا پیغمبر اکرم ﷺ چنین مطلبی را فرموده؛ و او عمداً بگوید: آری، در حالی که پیغمبر ﷺ نگفته باشد، یا بگوید: نه، در حالی که پیغمبر ﷺ گفته باشد روزه اش اشکال دارد.

مسألة ۱۳۵۹ - اگر در نقل احکام شرعی عمداً دروغ گوید، مثلاً واجبی را غیر واجب و حرامی را حلال ذکر کند، اگر منظورش نسبت دادن آن حکم به خدا یا پیغمبر ﷺ باشد روزه اش اشکال دارد و اگر قصدش نسبت دادن فتوا به مجتهد است کار حرامی کرده، اما روزه اش باطل نمی شود و کسی که بدون اطلاع، حکم مشکوکی را نقل می کند، نیز همین حکم را دارد.

##### ۵ - رساندن غبار غلیظ به حلق

مسألة ۱۳۶۰ - رساندن غبار غلیظ به حلق هرگاه در حلق تبدیل به گل شود و فرورود روزه را باطل می کند، در غیر این صورت روزه صحیح است، خواه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مانند آرد، یا غبار چیزی که خوردن آن حرام است.

مسألة ۱۳۶۱ - هرگاه به واسطه باد یا جارو کردن زمین، غبار غلیظی برخیزد و بر اثر عدم مواظبت به حلق برسد، روزه اش باطل می شود (به شرحی که در مسأله قبل گفته شد).

مسألة ۱۳۶۲ - احتیاط واجب آن است که روزه دار از کشیدن سیگار و تنباکو و سایر دخانیات پرهیز کند و بخار غلیظ نیز به حلق نرساند، ولی رفتن به حمام اشکال ندارد، هر چند فضای حمام را بخار گرفته باشد.

مسألة ۱۳۶۳ - اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند، یا بی اختیار و بدون اراده، غبار و مانند آن به حلق او برسد، روزه اش باطل نمی شود.

مسألة ۱۳۶۴ - در جایی که احتمال می دهد غبار یا دود به حلق برسد باید احتیاط کند،

ولی اگر یقین یا گمان داشته باشد به حلق نمی‌رسد روزه‌اش صحیح است.

#### ۶ - سرفرو بردن در آب (ارتماس)

مسألة ۱۳۶۵ - روزه دار بنا بر احتیاط واجب تمام سر را عمداً در آب فرو نبرد، حتی اگر بقیه بدن بیرون از آب باشد، اما اگر تمام بدن و قسمتی از سر زیر آب برود ولی مقداری از سر بیرون باشد روزه باطل نمی‌شود، فرو بردن سر در مایعاتی مانند گلاب و آبهای مضاف دیگر حکم آب مطلق را دارد.

مسألة ۱۳۶۶ - اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر را دفعه دیگر، در آب فرو برد، روزه‌اش صحیح است، ولی اگر تمام سر را زیر آب ببرد اما مقداری از موها بیرون بماند روزه‌اش اشکال دارد.

مسألة ۱۳۶۷ - کسی که برای نجات غریق مجبور است سر را در آب فرو ببرد روزه‌اش اشکال دارد، ولی به عنوان نجات جان مسلمانی این کار واجب است و بعداً قضا کند.

مسألة ۱۳۶۸ - خواصان اگر سر خود را در کلاهک پنهان کنند و با آن زیر آب روند روزه آنها صحیح است.

مسألة ۱۳۶۹ - اگر روزه‌دار بی اختیار در آب بیفتد، یا او را در آب بیندازند و سر او زیر آب رود، یا فراموش کند که روزه است سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی‌شود، ولی اگر یادش بیاید بنا بر احتیاط واجب باید فوراً سر را از آب بیرون آورد.

مسألة ۱۳۷۰ - اگر فراموش کند که روزه است و به نیت غسل سر را زیر آب کند روزه و غسل او مردود صحیح است، ولی اگر بداند روزه واجب معین است و عمداً چنین کند بنا بر احتیاط واجب هم روزه را باید قضا کند و هم غسل را دوباره انجام دهد.

#### ۷ - باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

مسألة ۱۳۷۱ - اگر شخص جُنُب عمداً تا صبح غسل نکند بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است ولی اگر توانایی بر غسل ندارد یا وقت تنگ است تیمم نماید، اما اگر از روی عمد نباشد روزه‌اش صحیح است و زنی که از حیض یا نفاس پاک شده و تا اذان صبح غسل نکرده در حکم کسی است که باقی بر جنابت مانده است.

مسألة ۱۳۷۲ - باطل شدن روزه به خاطر بقاء بر جنابت مخصوص روزه ماه رمضان و قضای آن است و در روزهای دیگر موجب بطلان نمی شود.

مسألة ۱۳۷۳ - اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک یا چند روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید، مثلاً اگر نمی داند سه روز جنب بوده یا چهار روز، باید سه روز را قضا کند و قضای روز چهارم احتیاط مستحب است.

مسألة ۱۳۷۴ - کسی که در شب ماه رمضان وقت برای غسل و تیمم ندارد اگر خود را جنب کند روزه اش اشکال دارد و احتیاطاً قضا و کفاره بجا آورد، همچنین اگر برای غسل وقت ندارد و فقط برای تیمم وقت دارد.

مسألة ۱۳۷۵ - اگر گمان کند به اندازه غسل وقت دارد و خود را جنب کند و بعد بفهمد وقت تنگ بوده تیمم کند و روزه اش صحیح است.

مسألة ۱۳۷۶ - کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود نباید بخوابد و چنانچه بخوابد و بیدار نشود روزه اش اشکال دارد و بنا بر احتیاط واجب باید قضا و کفاره بجا آورد، اما اگر احتمال می دهد بیدار شود، می تواند بخوابد، اما احتیاط این است که در دفعه دوم که بیدار شد نخوابد تا غسل کند.

مسألة ۱۳۷۷ - کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند یا احتمال می دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و با این تصمیم بخوابد و تا اذان بیدار نشود روزه اش صحیح است، ولی اگر تصمیم بر غسل نداشته باشد یا مردد باشد که غسل بکند یا نه، در این صورت اگر بیدار نشود روزه اش اشکال دارد.

مسألة ۱۳۷۸ - هرگاه چنین کسی بخواند و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح برای غسل کردن بیدار می شود چنانچه بخوابد و بیدار نشود احتیاطاً باید روزه آن روز را قضا کند، هم چنین است اگر برای دفعه سوم بخوابد و بیدار نشود، ولی در هیچ یک از اینها کفاره بر او واجب نمی شود.

مسألة ۱۳۷۹ - خوابی که در آن محتلم شده خواب اول حساب نمی شود ولی اگر از آن خواب بیدار شود و دوباره بخوابد خواب اول حساب می شود.

مسألة ۱۳۸۰ - هرگاه روزه دار در روز محتمل شود بهتر است فوراً غسل کند اما اگر نکند برای روزه اش اشکالی ندارد.

مسألة ۱۳۸۱ - هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتمل شده روزه اش صحیح است، خواه بداند پیش از اذان محتمل شده، یا بعد از آن و یا شک داشته باشد.

مسألة ۱۳۸۲ - کسی که می خواهد قضای روزه ماه رمضان را بگیرد اگر بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتمل شده و بداند پیش از اذان صبح محتمل شده، اگر وقت قضای روزه تنگ نیست بنا بر احتیاط واجب روز دیگری را روزه بگیرد و اگر وقت قضای روزه تنگ است مثلاً پنج روز قضا به ذمه دارد و پنج روز هم بیشتر به ماه رمضان باقی نمانده، همان روز را روزه بگیرد و روزه اش صحیح است.

مسألة ۱۳۸۳ - اگر در ماه مبارک رمضان پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت ندارد تیمم کند و روزه اش صحیح است، اما اگر برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد باید بعداً غسل کند و روزه او نیز صحیح است.

مسألة ۱۳۸۴ - اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود نمی تواند روزه بگیرد، همچنین اگر در اثناء روز خون حیض یا نفاس ببیند اگر چه نزدیک مغرب باشد.

مسألة ۱۳۸۵ - اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن کوتاهی کند، بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است، ولی چنانچه کوتاهی نکند، مثلاً منتظر باشد که حمام باز شود یا آب حمام گرم شود و تا اذان غسل نکند در صورتی که تیمم کرده باشد روزه او صحیح است.

مسألة ۱۳۸۶ - زنی که در حال استحاضه است باید غسل خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد بجا آورد و روزه او صحیح است.

مسألة ۱۳۸۷ - کسی که مس میت کرده و غسل مس میت بر او واجب شده، می تواند بدون غسل مس میت روزه بگیرد و اگر در حال روزه هم مس میت کند روزه اش باطل نمی شود، ولی برای نماز باید غسل کند.

## ۸ - اماله کردن با مایعات

مسألة ۱۳۸۸ - تنقیه (اماله کردن) با مایعات روزه را باطل می‌کند هر چند برای معالجه بیماری و از روی ناچاری باشد، ولی استعمال شیافها برای معالجه اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که از استعمال شیافهایی که برای تغذیه است خودداری شود.

## ۹ - قی کردن

مسألة ۱۳۸۹ - قی کردن از روی عمد روزه را باطل می‌کند، هر چند برای نجات از مسمومیت و درمان بیماری و مانند آن باشد، ولی قی کردن بدون اختیار یا از روی سهو روزه را باطل نمی‌کند.

مسألة ۱۳۹۰ - اگر در شب چیزی بخورد که می‌داند در روز بی‌اختیار قی می‌کند روزه باطل نمی‌شود، ولی احتیاط مستحب این است که چنین کاری نکنند و اگر کرد، روزه را قضا نمایند.

مسألة ۱۳۹۱ - واجب نیست روزه دار با قضا آوردن به خود از قی کردن خودداری کند، ولی اگر ضرر و مشقتی نداشته باشد بهتر است جلوگیری کند.

مسألة ۱۳۹۲ - اگر خرده‌های غذا یا حشره‌ای مانند مگس بی‌اختیار در گلوئی روزه دار برود چنانچه به قدری پایین برود که نمی‌توان آنها را بیرون آورد روزه‌اش صحیح است و اگر بتواند آن را بیرون آورد باید چنین کند و بیرون آوردنش ضرری برای روزه ندارد، بلکه اگر در این حال فرو برد روزه‌اش باطل است.

مسألة ۱۳۹۳ - هرگاه یقین دارد که به واسطه آروغ زدن چیزی از گلو بیرون می‌آید که به آن قی کردن می‌گویند نباید عمداً آروغ بزند، ولی اگر یقین نداشته باشد اشکال ندارد و هرگاه بر اثر آروغ زدن بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید باید آن را بیرون بریزد و اگر عمداً فرو برد روزه‌اش باطل است، ولی اگر بی‌اختیار فرو رود اشکالی ندارد.

مسألة ۱۳۹۴ - هرگاه یکی از اموره گانه‌ای که قبلاً گفته شد سهواً با بدون اختیار بجا آورد روزه‌اش صحیح است، ولی جنب اگر بخوابد و تا اذان صبح غسل نکنند روزه‌اش به شرحی که قبلاً گفته شد اشکال دارد.

مسألة ۱۳۹۵ - اگر روزه دار سهواً یکی از کارهایی که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد

به گمان اینکه روزه اش باطل شده دوباره یکی از آنها را عمداً بجا آورد روزه اش باطل نمی شود، ولی احتیاط مستحب قضای آن است.

مسألة ۱۳۹۶ - اگر چیزی را به زور در گلوی روزه دار بریزند، یا سر او را در آب فرو برند، روزه اش باطل نمی شود، ولی اگر مجبورش کنند که خودش افطار کند، مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر جانی یا مالی به تو می زنیم و او برای جلوگیری از ضرر، غذا بخورد روزه اش باطل می شود.

مسألة ۱۳۹۷ - احتیاط واجب آن است که روزه دار به جایی نرود که می داند چیزی در گلویش می ریزند یا مجبورش می کنند که روزه را افطار کند، اما اگر قصد رفتن کند و نرود یا بعد از رفتن چیزی به خوردش ندهند روزه اش صحیح است.

### کارهایی که برای روزه دار مکروه است

مسألة ۱۳۹۸ - چند کار برای روزه دار مکروه است از جمله:

- ۱ - ریختن دوا در چشم ۲ - سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد ۳ - انجام کارهایی که باعث ضعف می شود، مانند خون گرفتن و حمام رفتن ۴ - انفیة کشیدن اگر نداند به حلق می رسد، ولی اگر بداند به حلق می رسد جایز نیست ۵ - بو کردن گیاهها معطر ۶ - نشستن زن در آب، بنا بر احتیاط ۷ - استعمال شیاف بنا بر احتیاط ۸ - تر کردن لباس بر بدن ۹ - کشیدن دندان و هر کاری که سبب خون آمدن از دهان و موجب ضعف شود ۱۰ - مسواک کردن با چوب تازه ۱۱ - بوسیدن همسر بدون قصد بیرون آمدن منی و هر کاری که شهوت را به حرکت در آورد اما اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد روزه او باطل می شود.

### مواردی که قضا و کفاره واجب است

مسألة ۱۳۹۹ - کارهایی که روزه را باطل می کند اگر عمداً و با علم و اطلاع انجام دهد، علاوه بر اینکه روزه او باطل می شود و قضا دارد کفاره نیز دارد، ولی اگر به خاطر ندانستن مسأله باشد کفاره ندارد، ولی احتیاط آن است که قضا کند.

مسألة ۱۴۰۰ - هرگاه به واسطه بی اطلاعی و ندانستن مسأله کاری را انجام دهد که می داند

حرام است، ولی نمی دانسته است که روزه را باطل می کند بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب است.

### کفاره روزه

مسئله ۱۴۰۱ - کفاره روزی یکی از سه چیز است: آزاد کردن یک بنده یا دو ماه روزه گرفتن، یا شصت فقیر را سیر کردن (و اگر به هر کدام یک «مد» که تقریباً ۷۵۰ گرم است گندم یا جو یا مانند آنها بدهد کافی است). و در زمان ما که بنده آزاد کردن موضوع ندارد در میان دو چیز دیگر مخیر است و به جای گندم می تواند مقدار نانی بدهد که گندم آن به اندازه یک «مد» است.

مسئله ۱۴۰۲ - هرگاه هیچ یک از این سه کار ممکن نشود هر چند «مد» که می تواند به فقرا اطعام کند و اگر نتواند باید ۱۸ روز روزه بگیرد و اگر نتواند هر چند روز که می تواند بجا آورد و اگر نتواند استغفار کند و همین اندازه که در قلب بگوید: «استغفر الله» کافی است و واجب نیست بعداً که قدرت پیدا کرد کفاره را بدهد.

مسئله ۱۴۰۳ - کسی که شصت روز را برای کفاره انتخاب کرده، احتیاط واجب آن است که ۳۱ روز آن را پی در پی بجا آورد، ولی در ۱۸ روز که در بالا گفته شد پی در پی بجا آوردن لازم نیست.

مسئله ۱۴۰۴ - در جایی که باید پی در پی روزه بگیرد اگر در وسط یک روز را عمداً روزه نگیرد باید همه را از نو بجا آورد، ولی اگر مانعی پیش آید مانند عادت ماهانه و نفاس و سفری که ناچار از انجام آن است می تواند بعد از رفع مانع ادامه دهد و لازم نیست از سر بگیرد.

مسئله ۱۴۰۵ - اگر روزه دار به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره جمع بدهد، یعنی هم یک بنده آزاد کند و هم دو ماه روزه بگیرد و هم شصت فقیر را سیر کند (یا به هر کدام از آنها یک مد طعام که تقریباً ۷۵۰ گرم است بدهد) و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد هر کدام که ممکن است باید انجام دهد (خواه آن چیز حرام، مانند شراب و زنا باشد یا مانند نزدیکی کردن با همسر خود در عادت ماهانه).

مسئله ۱۴۰۶ - هرگاه روزه دار نسبت دروغ به خدا و پیغمبر ﷺ دهد یک کفاره کافی است

و کفاره جمع لازم نیست.

مسألة ۱۴۰۷ - اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند یک کفاره بر او واجب است و در صورتی که جماع او حرام باشد یک کفاره جمع و همچنین اگر در یک روز چند مرتبه کارهای دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد.

مسألة ۱۴۰۸ - اگر روزه دار روزه خود را با بی حلالی باطل کند، بعد کار حرامی که روزه را باطل می کند انجام دهد احتیاط واجب آن است برای هر کدام یک کفاره بدهد.

مسألة ۱۴۰۹ - هرگاه روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید نباید آن را فرو ببرد، و الا روزه او باطل می شود و قضا و کفاره دارد، ولی کفاره جمع لازم نیست.

مسألة ۱۴۱۰ - اگر نذر کند که روز معینی را برای خدا روزه بگیرد چنانچه عمداً روزه نگیرد یا روزه خود را باطل کند باید کفاره بدهد (و کفاره آن مانند کفاره ماه رمضان است).

مسألة ۱۴۱۱ - هرگاه به گفته کسی که سخنش قابل اعتماد نیست و می گوید مغرب شده افطار کند، بعد بفهمد مغرب نبوده، قضا و کفاره بر او واجب است.

مسألة ۱۴۱۲ - هرگاه روزه خود را عمداً باطل کند، بعد به مسافرت برود، کفاره از او ساقط نمی شود، ولی اگر عمداً روزه خود را باطل کند بعد عذر ممانعت حیض یا نفاس یا بیماری برای او پیدا شود کفاره بر او واجب نیست.

مسألة ۱۴۱۳ - هرگاه یقین کند که آن روز اول یا دوم رمضان است و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که آخر شده، آن بوده، کفاره بر او واجب نیست.

مسألة ۱۴۱۴ - همچنین اگر شک کند آخر رمضان است یا اول شوال و عمداً روزه را باطل کند بعد معلوم شود روز عید بوده کفاره ندارد.

مسألة ۱۴۱۵ - هرگاه روزه دار در ماه رمضان با همسر خود که روزه دار است جماع کند چنانچه او را مجبور کرده باشد باید کفاره روزه خود و زنش را هر دو بدهد و اگر او به جماع راضی بوده، بر هر کدام یک کفاره واجب می شود، ولی اگر اجبار به منظرات دیگر کند گناه کرده، اما کفاره بر هیچ کدام واجب نیست، اما آن کسی که روزه اش را خورده باید قضا کند.

مسألة ۱۴۱۶ - هرگاه زن روزه دار شوهر روزه دار خود را مجبور به جماع نماید فقط یک کفاره بر او واجب است و لازم نیست کفاره شوهر را بدهد.

مسألة ۱۴۱۷ - هرگاه زن در آغاز، مجبور بوده و در اثناء راضی شده احتیاط واجب آن



است که مرد دو کفاره بدهد و بر زن چیزی جز قضا لازم نیست.

مسألة ۱۴۱۸ - هرگاه کسی که به واسطه مسافرت یا بیماری روزه نگیرد نمی تواند همسر خود را مجبور به جماع نماید و اگر او را مجبور کند گناه کرده، ولی لازم نیست کفاره او را هم بدهد.

مسألة ۱۴۱۹ - بجا آوردن کفاره واجب فوری نیست ولی نباید طوری باشد که بگویند کوتاهی می کند.

مسألة ۱۴۲۰ - اگر چند سال بگذرد و کفاره را بجا نیاورد چیزی بر آن اضافه نمی شود.

مسألة ۱۴۲۱ - کسی که برای کفاره روزه، اطعام شصت فقیر را انتخاب کرده باید به هر کدام یک مد طعام (تقریباً ۷۵۰ گرم) بدهد و نمی تواند چند مد را به یک نفر بدهد، مگر اینکه دسترسی به شصت فقیر پیدا نکند، ولی اگر اطمینان داشته باشد که فقیر طعام را به عیالات خود می دهد و با آنها می خورد، می تواند برای هر یک از عیالات او، هر چند صغیر باشند، یک مد به آن فقیر بدهد.

مسألة ۱۴۲۲ - کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته جایز نیست بعد از ظهر روزه را باطل کند و اگر عمداً چنین کاری کند باید به ده نفر فقیر هر کدام یک مد طعام بدهد و اگر نمی تواند باید سه روزی در پی روزه بگیرد.

### مواردی که فقط قضا لازم است

مسألة ۱۴۲۳ - در چند صورت فقط قضای روزه لازم است و کفاره واجب نیست:

- ۱ - در صورتی که در شب ماه رمضان جنب باشد و بخوابد و بیدار شود و برای بار دوم یا سوم بخوابد و بیدار نشود، در این صورت احتیاط واجب قضای روزه است، اما اگر در خواب اول بیدار نشود قضا ندارد و روزه اش صحیح است.
- ۲ - هرگاه کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد، ولی نیت روزه نکرده باشد یا قصد آن که روزه خود را بخورد، یا با ریا روزه را باطل نماید.
- ۳ - هرگاه در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با همان حال یک یا چند روز روزه بگیرد بنا بر احتیاط واجب.
- ۴ - در ماه رمضان بدون آنکه تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می کند

انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، همچنین اگر بعد از تحقیق شک یا گمان کند که صبح شده است، ولی اگر بعد از تحقیق یقین کند صبح نشده و چیزی بخورد معلوم شود صبح بوده قضا واجب نیست.

۵ - هرگاه کسی بگوید صبح نشده و هنوز وقت باقی است و انسان به گفته او کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده، در اینجا نیز قضا لازم است.

۶ - کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین نکند یا خیال کند شوخی می‌نکند و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده.

۷ - هرگاه شخص عادلی خبر دهد مغرب شده و او افطار کند بعد معلوم شود مغرب نبوده است.

۸ - هرگاه در هوای صاف به واسطه تاریکی یقین کند مغرب شده و افطار کند بعد معلوم شود مغرب نبوده.

۹ - هرگاه برای خنک شدن، یا بدون هدف، آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرورود باید قضا کند، اما اگر فراموش کرده که روزه است و آب را فرو برد قضا ندارد، همچنین اگر برای وضو آب در دهان کند و بی اختیار فرورود قضا بر او واجب نیست.

۱۰ - کسی که یا همسر خود بازی کند بدون اینکه قصد استمناء داشته باشد و منی از او خارج شود، ولی اگر اطمینان داشت که با این کار منی خارج نمی‌شود و نصادفاً خارج شده روزه اش صحیح است و قضا ندارد.

مسألة ۱۴۲۴ - هرگاه چیز دیگری غیر از مایعات را در دهان ببرد و بی اختیار فرورود یا آب داخل بینی کند و بی اختیار فرورود قضا بر او واجب نیست.

مسألة ۱۴۲۵ - مضمضه کردن زیاد برای روزه‌دار مکروه است و بعد از مضمضه باید آب خارجی را از دهان بیرون بریزد و بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیندازد و اگر بداند به واسطه مضمضه بی اختیار آب وارد گلویش می‌شود نباید مضمضه کند.

مسألة ۱۴۲۶ - هرگاه انسان شک دارد مغرب شده یا نه نمی‌تواند افطار کند و اگر افطار کند هم قضا دارد و هم كفاره، ولی اگر شک کند که صبح شده یا نه می‌تواند کارهایی که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و تحقیق کردن نیز واجب نیست.

### احکام روزه قضا

مسئله ۱۴۲۷ - روزه‌هایی که در حال جنون بجا نیاورده بعد از عاقل شدن لازم نیست قضا کند، همچنین اگر کافری مسلمان شود قضای روزه‌های گذشته واجب نیست، اما اگر مسلمانی مرتد شود و دوباره برگردد و مسلمان شود روزه‌های دوران مرتد بودن را باید قضا نماید.

مسئله ۱۴۲۸ - هرگاه به واسطه مستی روزه او ترک شده باید قضا کند، هر چند ماده مست کننده را از روی اشتباه و یا برای معالجه خورده باشد، بلکه اگر نیت روزه را قبلاً کرده بعد در حال مستی روزه را تمام کند بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید.

مسئله ۱۴۲۹ - روزه‌هایی که به خاطر مسافرت یا بیماری و مانند آن ترک شده باید قضا کند، اما اگر نداند تعداد روزه‌های فوت شده چه اندازه بوده، کافی است مقداری که یقین دارد قضا کند و اضافه بر آن واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب است.

مسئله ۱۴۳۰ - اگر از چند ماه رمضان روزه قضا بر ذمه دارد قضای هر کدام را اول بگیرد مانعی ندارد، ولی اگر وقت برای قضای رمضان آخر تنگ شده باشد بنا بر احتیاط اول قضای رمضان آخر را بگیرد.

مسئله ۱۴۳۱ - کسی که روزه قضای ماه رمضان را بجا می‌آورد می‌تواند پیش از ظهر روزه را افطار کند، به شرط اینکه وقت برای قضای روزه تنگ نباشد، ولی بعد از ظهر جایز نیست، همچنین اگر قضای روزه غیر معینی (مانند قضای روزه نذر) را گرفته باشد احتیاط واجب آن است که بعد از ظهر روزه را باطل نکند.

مسئله ۱۴۳۲ - کسی که به واسطه بیماری یا حیض و نفاس روزه ماه رمضان را نگیرد و پیش از پایان ماه رمضان از دنیا برود لازم نیست روزه‌هایی را که نگرفته برای او قضا نمایند.

مسئله ۱۴۳۳ - هرگاه به واسطه بیماری، روزه ماه رمضان را نگیرد و بیماری او تا ماه رمضان سال بعد طولانی شود، قضای روزه‌هایی را که نگرفته واجب نیست، فقط باید برای هر روز یک مد (تقریباً ۷۵۰ گرم) گندم یا جو و مانند آن به فقیر بدهد، ولی اگر به واسطه عذر دیگری (مثلاً به خاطر مسافرت) روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند احتیاط واجب آن است که روزه‌هایی را که نگرفته بعد از ماه رمضان قضا کند و برای هر روز یک مد طعام به فقیر دهد، همچنین اگر ترک روزه به خاطر بیماری بوده، بعد بیماری

برطرف شده و عذر دیگری مانند مسافرت پیش آمده است.

**مسألة ۱۴۳۴ -** هرگاه روز ماه رمضان را به واسطه عذری نگیرد و تا رمضان آینده عمداً قضای آن را بجا نیاورد در حالی که عذرش برطرف شده، باید بعداً روزه را قضا کند و برای هر روز یک مد طعام کفاره بدهد، همچنین اگر در قضای روزه کوتاهی کند تا وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری پیدا کند، باید بعداً هم قضا بجا آورد و هم کفاره دهد، اما اگر کوتاهی نکرده و اتفاقاً در تنگی وقت عذری پیدا شده فقط قضا لازم است.

**مسألة ۱۴۳۵ -** هرگاه بیماری انسان چند سال طول کشد و بعداً خوب شود اگر تا رمضان آینده به مقدار قضا وقت باقی است باید فقط قضای رمضان آخر را بگیرد و برای هر روز از سالهای پیش یک مد طعام بدهد.

**مسألة ۱۴۳۶ -** هرگاه قضای روزه ماه رمضان را چند سال به تأخیر اندازد باید قضا را بجا آورد و برای هر روز یک مد طعام به فقیر دهد و با گذشت سالها کفاره متعدد نمی شود.

**مسألة ۱۴۳۷ -** لازم نیست کفاره هر روز را به یک فقیر بدهد، بلکه می تواند کفاره چندین روز را به یک نفر بدهد و اگر مقداری نان دهد که گندم آن به اندازه یک مد باشد کافی است، ولی پول آن را نمی تواند بدهد مگر اینکه اطمینان داشته باشد آن را برای خرید نان مصرف می کند.

**مسألة ۱۴۳۸ -** بعد از مرگ پدر باید پسر بزرگتر قضای نماز و روزه او را به شرحی که در مسائل قضای نماز گفته شد بجا آورد و احتیاط این است که قضای نماز و روزه مادر را نیز انجام دهد.

**مسألة ۱۴۳۹ -** اگر ولی میت نداند که میت قضای روزه بر ذمه دارد یا نه، واجب نیست برای او قضا بگیرد و اگر اجمالاً بداند مقداری قضای روزه بر ذمه اوست باید به اندازه ای که یقین دارد بجای آورد و بیش از آن لازم نیست.

### احکام روزه شخص مسافر

**مسألة ۱۴۴۰ -** شخص مسافر (با شرایطی که در مسأله نماز مسافر گفته شد) نباید روزه بگیرد، و به طور کلی در هر مورد نماز شکسته است روزه را باید ترک کرد و در جایی که نماز باید تمام بخواند (مانند کسی که شغلش مسافرت است و یا در محلی قصد ماندن ده روز

کرده) باید روزه را بگیرد.

مسأله ۱۴۴۱ - مسافرت در ماه رمضان حرام نیست، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.

مسأله ۱۴۴۲ - هرگاه روزه روز معینی غیر از ماه رمضان بر انسان واجب باشد (مثل اینکه نذر کرده نیمه شعبان را روزه بگیرد) بنا بر احتیاط واجب نباید در آن روز مسافرت کند. حتی اگر در سفر است باید در جایی قصد توقف ده روز کند و آن روز را روزه بگیرد.

مسأله ۱۴۴۳ - اگر نذر روزه کند ولی روز آن را معین نسازد نمی‌تواند آن را در سفر بجا آورد، ولی اگر نذر کند روز معینی را در سفر روزه بگیرد یا نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد چه نباشد روزه بگیرد، احتیاط واجب آن است که آن روز را اگرچه مسافر باشد روزه بگیرد.

مسأله ۱۴۴۴ - مسافر می‌تواند برای گرفتن حاجت سه روز در مدینه روزه مستحبی بگیرد (هر چند قصد ده روز نکند) ولی احتیاط آن است که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را اختیار کند.

مسأله ۱۴۴۵ - کسی که اصلاً نمی‌داند روزه مسافر باطل است اگر در سفر روزه بگیرد روزه‌اش صحیح است، ولی اگر در بین روز مسأله را بفهمد روزه‌اش باطل می‌شود.

مسأله ۱۴۴۶ - هرگاه فراموش کند مسافر است، یا فراموش کند که روزه مسافر باطل است و در این حال روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید روزه را قضا کند.

مسأله ۱۴۴۷ - هرگاه روزه دار بعد از ظهر مسافرت نماید باید روزه خود را تمام کند، اما اگر پیش از ظهر مسافرت نماید روزه‌اش باطل است، ولی قبل از آنکه به حد ترخیص برسد نمی‌تواند روزه را افطار کند و اگر پیش از آن افطار کند کفاره بر او واجب است (منظور از حد ترخیص جایی است که صدای اذان شهر را نشنود، یا به جایی برسد که از نظر مردم شهر پنهان گردد).

مسأله ۱۴۴۸ - هرگاه مسافر پیش از ظهر وارد وطن شود، یا به جایی برسد که قصد ده روز توقف دارد، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد باید روزه بگیرد و اگر انجام داده باشد بعداً قضا کند و مستحب است باقیمانده آن روز را امساک نماید، ولی اگر بعد از ظهر وارد شود نمی‌تواند روزه بگیرد.

**مسألة ۱۴۴۹ -** مسافر و کسی که از روزه گرفتن معذور است مکروه است در روزه ماه رمضان در خوردن و آشامیدن، خود را کاملاً سیر کند، همچنین جماع برای آنها مکروه است.

### کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

**مسألة ۱۴۵۰ -** مرد و زن پیر که روزه گرفتن برای آنها مشکل است می توانند روزه را ترک کنند، ولی باید برای هر روز یک مد (تقریباً ۷۵ گرم) گندم یا جو و مانند اینها به فقیر دهند و بهتر آن است به جای گندم و جو نان را انتخاب کنند و در این صورت احتیاط واجب این است به اندازه‌ای باشد که گندم خالص آن مقدار یک «مد» شود.

**مسألة ۱۴۵۱ -** کسانی که به خاطر پیری روزه نگرفته‌اند اگر در فصل مناسبی که هوا ملایم و روزها کوتاه است بتوانند قضای آن را بجا آورند احتیاط آن است که قضا کنند.

**مسألة ۱۴۵۲ -** روزه بر کسانی که مبتلا به بیماری استسقاء هستند، یعنی زیاد تشنه می شوند و توانایی روزه گرفتن را ندارند و یا برای آنها بسیار مشکل است واجب نیست، ولی باید برای هر روز یک مد طعام که در مسأله قبل به آن اشاره شد کفاره بدهند و بهتر است که بیش از مقدار ضرورت آب نیاشامند و اگر بعداً بتوانند قضا کنند احتیاط واجب قضا کردن است.

**مسألة ۱۴۵۳ -** زنان بارداری که وضع حمل آنها نزدیک است و روزه برای حمل آنها ضرر دارد روزه گرفتن بر آنها واجب نیست، ولی کفاره‌ای را که در مسئله قبل گفته شد باید بدهند، اما اگر روزه برای خودش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست کفاره هم ندارد، ولی بعداً قضا می‌کند.

**مسألة ۱۴۵۴ -** زنانی که بچه شیر می دهند خواه مادر بچه باشند یا دایه، اگر روزه گرفتن باعث کمی شیر آنها و ناراحتی بچه شود روزه بر آنها واجب نیست، ولی برای هر روز همان کفاره (یک مد طعام) واجب است، بعداً نیز باید روزه را قضا کنند، اما اگر روزه برای خودشان ضرر داشته باشد، نه روزه واجب است و نه کفاره، ولی باید بعداً روزه‌هایی را که نگرفته‌اند قضا نمایند.

**مسألة ۱۴۵۵ -** اگر کسی پیدا شود که بدون اجرت، بچه را شیر دهد یا شخصی پیدا شود

که اجرت دایه را بی منت بپردازد، در این صورت روزه گرفتن واجب است.

### راه ثابت شدن ماه

مسألة ۱۲۵۶ - اول ماه از پنج طریق ثابت می شود:

- ۱ - دیدن ماه با چشم، اما دیدن با دوربین و وسایل دیگری از این قبیل کافی نیست.
- ۲ - شهادت عده‌ای که از گفته آنها یقین پیدا شود (هر چند عادل نباشد، همچنین هر چیزی که مایه یقین گردد).
- ۳ - شهادت دو مرد عادل، ولی اگر این دو شاهد صفت ماه برخلاف یکدیگر بگویند، یا نشانه‌هایی بدهند که دلیل بر اشتباه آنهاست به گفته آنها اول ماه ثابت نمی شود.
- ۴ - گذشتن سی روز تمام از اول ماه شعبان که اول ماه رمضان با آن ثابت می شود، یا گذشتن سی روز تمام از اول ماه رمضان که اول ماه شوال ثابت می شود (البته این صدر صورتی است که اول ماه قبل مطابق همین طرف ثابت شده باشد).
- ۵ - حکم حاکم شرع، به این صورت که برای مجتهد عادل اول ماه ثابت شود و سپس حکم کند که آن روز اول ماه است، در این صورت پیروی از او بر همه لازم است، مگر کسی که یقین به اشتباه او دارد.

مسألة ۱۲۵۷ - اول ماه به وسیله تقویمها و محاسبات منجمین ثابت نمی شود، هر چند آنها اهل اطلاع و دقت باشند، مگر اینکه از گفته آنها یقین حاصل گردد، همچنین بلند بودن ماه و دیر غروب کردن آن دلیل بر این نمی شود که شب قبل شب اول ماه بوده است.

مسألة ۱۲۵۸ - اگر در شهری اول ماه ثابت شود برای شهرهای دیگر که با آن نزدیک است کافی است و همچنین شهرهای دور دستی که افق آنها با هم متحد است، همچنین اگر در بلاد شرقی ماه دیده شود برای کسانی که در بلاد غربی نسبت به آنها باشند کافی است (مثل اینکه اول ماه در مشهد ثابت شود مسلماً برای کسانی که در تهران هستند کافی است ولی عکس آن کفایت نمی کند).

مسألة ۱۲۵۹ - اگر اول ماه رمضان ثابت نشود روزه واجب نیست، ولی اگر بعداً ثابت شود که آن روزی را که روزه نگرفته اول ماه بوده باید آن را قضا کند.

مسألة ۱۲۶۰ - روزی را که انسان شک دارد آخر رمضان است یا اول شوال باید روزه

بگیرد، اما اگر در اثناء روز ثابت شود که اول شوال است باید افطار کند هر چند نزدیک مغرب باشد.

مسألة ۱۴۶۱ - هرگاه شخص زندانی نتواند به ماه رمضان یقین پیدا کند باید به گمان خود عمل نماید و آن ماه را که بیشتر احتمال می دهد که ماه رمضان است روزه بگیرد و اگر گمان برای او حاصل نشود هر ماهی را که روزه بگیرد صحیح است، ولی احتیاط واجب آن است که اگر زندان او ادامه یابد در سال آینده نیز همان ماه را روزه بگیرد.

### روزه های حرام

مسألة ۱۴۶۲ - دو روز از سال روزه اش حرام است: عید فطر (اول ماه شوال) و عید قربان (دهم ماه ذی الحجه)

مسألة ۱۴۶۳ - روزه گرفتن زن (روزه مستحبی) در صورتی که حق شوهرش از بین برود بدون اجازه او جایز نیست و اگر حق او از بین نرود نیز بنا بر احتیاط واجب باید با اجازه شوهر باشد، همچنین روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر شود جایز نیست، ولی اجازه گرفتن از آنها لازم نمی باشد.

مسألة ۱۴۶۴ - کسی که می داند روزه برای او ضرر دارد باید روزه را ترک کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست، همچنین اگر یقین ندارد اما احتمال قابل توجهی می دهد که روزه برای او ضرر دارد، خواه این احتمال از تجربه شخصی حاصل شده باشد یا از گفته طبیب.

مسألة ۱۴۶۵ - اگر طبیب بگوید روزه ضرر دارد اما او با تجربه دریافته است که ضرر ندارد، باید روزه بگیرد و در صورت معلوم نبودن ضرر، می تواند یکی دو روز تجربه کند و بعد طبق دستور بالا عمل نماید.

مسألة ۱۴۶۶ - هرگاه عقیده اش این بود که روزه برای او ضرر ندارد و روزه گرفت و بعد از مغرب فهمید روزه برای او ضرر داشته، احتیاط آن است که فضای آن را بجا آورد.

مسألة ۱۴۶۷ - روزی که انسان شک دارد که آخر ماه شعبان است یا اول ماه رمضان، اگر می خواهد روزه بگیرد باید به قصد آخر شعبان باشد و اگر به نیت اول ماه رمضان روزه بگیرد حرام و باطل است.

مسألة ۱۴۶۸ - غیر از روزه هایی که گفته شد روزه های حرام دیگری نیز هست که در



کتابهای مفصل گفته شده است.

### روزه‌های مکروه و مستحب

مسألة ۱۴۶۹ - روزه روز عاشورا مکروه است، همچنین روزی که انسان شک دارد روز عرفه است یا عید قربان و روزه میهمان بدون اجازه میزبان نیز کراهت دارد.

مسألة ۱۴۷۰ - روزه تمام روزهای سال، غیر از روزه‌های حرام و مکروه که در بالا گفته شد، مستحب است، ولی بعضی از روزها تأکید بیشتری دارد از جمله:

۱ - پنجشنبه اول و آخر هر ماه و اولین چهارشنبه بعد از دهم ماه، حتی اگر کسی اینها را بجا نیاورد مستحب است قضا کند.

۲ - سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه.

۳ - تمام ماه رجب و شیعیان و اگر نتواند قسمتی از آن را روزه بگیرد، هر چند یک روز باشد.

۴ - روز بیست و چهارم ذی الحجه و بیست و نهم ذی القعدة.

۵ - روز اول ذی الحجه تا روز نهم، ولی اگر به واسطه ضعف روزه نتواند دعاها را بخواند روزه آن روز مکروه است.

۶ - عید سعید غدیر (هجده ذی الحجه).

۷ - روز تولد اول و سوم و هفتم محرم.

۸ - روز تولد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله (۱۷ ربیع الاول).

۹ - روز مبعث رسول خدا صلی الله علیه و آله (۲۷ رجب).

۱۰ - روز عید نوروز.

مسألة ۱۴۷۱ - هرگاه کسی روزه مستحبی بگیرد واجب نیست آن را به آخر برساند و هر موقع بخواهد می‌تواند روزه خود را بخورد، بلکه اگر برادر مؤمنی او را به غذا دعوت کند مستحب است دعوت او را قبول کرده و در اثناء روز افطار نماید.

مسألة ۱۴۷۲ - برای شش گروه مستحب است اعمالی که روزه را باطل می‌کند ترک کنند، هر چند روزه بر آنها واجب نیست:

۱ - مسافرانی که در سفر روزه خود را خورده‌اند و پیش از ظهر به وطن یا جایی که می‌خواهند ده روز اقامت کنند وارد شوند.

- ۲ - مسافرانی که بعد از ظهر به وطن یا محل اقامت می‌رسند.
- ۳ - بیمارانی که قبل از ظهر بهبودی یابند، ولی کاری که روزه را باطل می‌کند قبلاً انجام داده‌اند و نمی‌توانند روزه بگیرند.
- ۴ - بیمارانی که بعد از ظهر خوب شوند هر چند تا آن ساعت چیزی نخورده‌اند.
- ۵ - زنانی که در بین روز از عادت ماهانه، یا نفاس پاک شوند.
- ۶ - افراد غیر مسلمانی که در روز ماه رمضان بعد از ظهر مسلمان شوند، ولی اگر قبل از ظهر باشد و چیزی نخورده باشند احتیاط واجب آن است که روزه بگیرند.
- مسألة ۱۴۷۳ - مستحب است روزه دار نماز مغرب و عشاء را پیش از افطار بخواند، ولی اگر حضور قلب ندارد، یا کسی منتظر اوست، بهتر است اول افطار کند، اما به قدری که بتواند نماز را در وقت فضیلت بجا آورد.

\* \* \*

## مسائل خمس

### موارد هفتگانه خمس

مسألة ۱۴۷۴ - خمس در هفت چیز واجب است:

- ۱ - منافع کسب و کار ۲ - معادن ۳ - گنجها ۴ - اموال حلال مخلوط به حرام ۵ - جواهراتی که با غواصی از دریا به دست می‌آید ۶ - غنائم جنگی ۷ - زمینی که کافر ذمی از مسلمان می‌خرد (بنابر احتیاط واجب) و احکام اینها در مسائل آینده توضیح داده می‌شود.

### ۱ - منافع کسب و کار

مسألة ۱۴۷۵ - هرگاه انسان از طریق زراعت یا صنعت یا تجارت یا از طریق کارگری و کارمندی در مؤسسات مختلف در آمدی به دست آورد، چنانچه از مخترج سال او و همسر و فرزندان و سایر کسانی که نفقه آنها را می‌دهد زیاد آید، باید خمس (پنج یک) آن را به شرحی که بعداً گفته می‌شود بپردازد.

مسألة ۱۴۷۶ - هیچ‌گونه تفاوتی میان کسبها و درآمدهای کسب نیست، ولی اگر انسان

چیزی را به عنوان وام از دیگری بگیرد خمس ندارد، همچنین اموالی که به عنوان ارث به او می‌رسد مشمول خمس نیست، مگر اینکه بداند شخص میت خمس آن را نداده است و یا اینکه به خاطر سایر اموالش بدهکار خمس است.

مسألة ۱۴۷۷ - اگر کسی چیزی را به او ببخشد و از مخارج سالش زیاد آید احتیاط واجب آن است که خمس آن را بپردازد، همچنین اگر از کسی ارثی به او رسد که خویشاوندی دوری یا او دارد و اطلاعی از چنین خویشاوندی و انتظاری درباره چنین ارثی نداشته، در اینجانب احتیاط واجب آن است که خمس آن را بپردازد.

مسألة ۱۴۷۸ - هرگاه ملکی را بر فرد معینی، مثلاً بر اولاد خود وقف نماید، چنانچه آن ملک در آمدی داشته باشد و از مخارج سال آنها زیاد بیاید باید خمس آن را بدهند.

مسألة ۱۴۷۹ - چیزی را که افراد مستحق از باب خمس یا زکات می‌گیرند خمس ندارد، هر چند از مخارج سالشان به عللی زیاد بیاید، ولی اگر از مالی که از این طریق به او رسیده منفعتی ببرد، مثلاً از درختی که از باب خمس به او داده شده میوه‌ای به دست آورد باید خمس آن مقداری که از مخارج سالش زیاد آمده بپردازد.

مسألة ۱۴۸۰ - اگر با عین پولی که خمس آن را نداده‌اند جنسی بخرد، معامله نسبت به مقدار خمس باطل است، مگر اینکه حاکم شرع آن را اجازه دهد، در این صورت باید پنج یک جنسی را که خریده به حاکم شرع دهد.

مسألة ۱۴۸۱ - اگر جنسی را به ذمه بخرد ولی بعد از معامله قیمت آن را از پولی که خمس آن را نداده بپردازد معامله او صحیح و تصرفاتش در آن جنس جایز است، ولی چون از پولی که خمس در آن است به فروشنده داده به مقدار خمس آن پول به او مدیون است و در صورتی که آن مقدار در دست فروشنده موجود باشد حاکم شرع همان را می‌گیرد و اگر از بین برود عوض آن را از خریدار یا فروشنده مطالبه می‌کند.

مسألة ۱۴۸۲ - هرگاه کسی مال را که خمسش را نداده‌اند خریداری کند، معامله او نسبت به خمس باطل است، مگر آنکه حاکم شرع اجازه دهد که در این صورت خمس پول معامله را باید به او داد و اگر به فروشنده داده باشد باید از او بگیرد و به حاکم شرع دهد.

مسألة ۱۴۸۳ - اگر چیزی را که خمس آن را نداده‌اند به دیگری ببخشد مقدار خمس آن ملک او نمی‌شود.

مسألة ۱۴۸۴ - هرگاه مالی به دست انسان از شخص کافر، یا کسی که عقیده به خمس ندارد از طریق تجارت یا غیر آن بیاید، دادن خمس آن واجب نیست، اما اگر عقیده به خمس دارد ولی خمس آن را نداده، دادن خمس آن واجب است.

مسألة ۱۴۸۵ - اگر اجمالاً می دانیم کسی عقیده به خمس دارد و خمس نمی دهد ولی نمی دانیم خصوص مالی را که به ما داده خمس به آن تعلق گرفته یا نه، مثل اینکه احتمالاً اموالی از طریق ارث به او رسیده، یا وام گرفته و احتمال می دهیم این مال از آنها باشد، تصرف در چنین مالی اشکال ندارد و خمس آن لازم نیست، همچنین قبول دعوت اینگونه اشخاص و یا نماز خواندن در خانه آنها جایز است، مگر اینکه بدانیم غذائی را که تهیه کرده و یا خانه او از پولهایی است که خمس آن را نداده.

مسألة ۱۴۸۶ - آغاز سال برای حساب خمس هر کسی اولین در آمد اوست، یعنی اگر کسی شروع به تجارت و کسب و صنعت و زراعت و غیر اینها کند، اولین زمانی که درآمد برای او حاصل می شود اول سال خمس اوست و نمی توان با قصد و نیت آن را جلو یا عقب انداخت و اگر بخواهد اول سال را جلو بیندازد راهش این است که حساب سال خود را زودتر از موعد معین برسد و خمس خود را بپردازد، همان وقت اول سال او خواهد شد.

مسألة ۱۴۸۷ - انسان می تواند در وسط سال هر وقت منفعتی به دستش آمد خمس آن را بدهد، ولی می تواند آن را تا آخر سال تأخیر بیندازد تا مخارج احتمالیش را از آن بردارد.

مسألة ۱۴۸۸ - برای دادن خمس می توان معیار را سال شمسی یا سال قمری قرار داد.

مسألة ۱۴۸۹ - کسی که در آمد اضافی ندارد قرار دادن سال خمس برای او لازم نیست.

مسألة ۱۴۹۰ - کسی که سال خمس دارد اگر در وسط سال بمیرد باید مخارج او را تا موقع مرگش از منافع او کم کنند و خمس باقیمانده را بدهند.

مسألة ۱۴۹۱ - اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و روی ملاحظات تجارتنی و کسب و کار آن را نفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست، ولی اگر قیمت آن تا آخر سال همچنان بالا باشد باید سر سال خمس آن را بدهد، هر چند قیمت آن بعد از گذشتن سال پایین آید، این در صورتی است که آخر سال وقت فروش آن باشد و به میل خود آن را نگهدارد.

مسألة ۱۴۹۲ - هرگاه غیر مال التجاره مالی دارد که خمس آن را داده یا اصلاً خمس

ندارد (مانند ارث) چنانچه قیمتش بالا رود، اگر آن را بفروشد باید خمس اضافه قیمت را بدهد، همچنین اگر گوسفندی را که خمسش را داده چاق شود باید خمس آنچه زیاد شده بعد از فروش بدهد.

مسألة ۱۴۹۳ - اگر باغی احداث کند برای آنکه بعد از بالا رفتن قیمتش بفروشد چنانچه وقت فروش آن رسیده باشد باید خمس آن را بدهد، ولی اگر فصدش این باشد که از میوه آن استفاده کند باید خمس میوه‌ها را بدهد و خمس خود باغ را هنگام فروش می‌دهد.

مسألة ۱۴۹۴ - درختانی را که برای استفاده از چوبشان پرورش می‌دهند وقتی موقع فروش چوب آنها رسید باید خمس آن را بدهند، هر چند نخواهند آنها را بفروشند، ولی اگر موقع فروش آنها خریده خمس ندارد هر چند سالها بگذرد.

مسألة ۱۴۹۵ - کسی که دارای چند رشته کسب و کار است، مثلاً هم زراعت دارد و هم صنعت و هم درآمد کارگری، باید متافع همه را آخر سال یکجا حساب کند، چنانچه چیزی زاید بر مخارج داشت خمس آن را بدهد.

مسألة ۱۴۹۶ - مخارجی را که برای به دست آوردن فایده می‌کند، مانند خرج باربری و دلالتی و غیر آن جزء مخارج کسب حساب می‌شود.

مسألة ۱۴۹۷ - هزینه زندگی خمس ندارد، یعنی آنچه را انسان از درآمدش در بین سال مصرف خوراک و پوشاک و مسکن و اثاث خانه و ازدواج و جهیزیه دختر و زیارت واجب یا مستحب و بدل و بخشش و میهمانی و مانند آن می‌کند، چنانچه در آن زیاده روی نکرده باشد خمس ندارد و تنها آنچه در آخر سال اضافه می‌ماند خمس دارد.

مسألة ۱۴۹۸ - اموالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره و مانند آن می‌رساند جزء مخارج سالیانه اوست، همچنین اموالی را که به دیگران می‌بخشد یا جایزه می‌دهد اگر از شأن او زیاد نباشد جزء مخارج سالانه حساب می‌شود.

مسألة ۱۴۹۹ - کسی که نیاز به خانه ملکی دارد آنچه را صرف خرید خانه می‌کند خمس ندارد، ولی اگر در آمد سالش برای خرید خانه کفایت نکند و مجبور باشد چند سال پس انداز کند تا قادر به تهیه خانه شود پولهایی که سال بر آنها گذشته خمس دارد، اما اگر فی المثل زمین خانه را در اثناء سال او بخرد و مصالح ساختمانی را در اثناء سال بعد و اجرت بنا را در سال سوم بدهد هیچ کدام خمس ندارد.

- مسألة ۱۵۰۰ - در میان بسیاری از خانواده‌ها معمول است که جهیزیه دختران را تدریجاً تهیه می‌کنند، چنانچه سال بر آن جهیزیه بگذرد خمس آن واجب است، مگر در شهری که جهیزیه را از قبل تهیه می‌کنند و اگر نکنند عیب است در این صورت خمس ندارد.
- مسألة ۱۵۰۱ - کسانی که قبر یا کفن از قبل برای خود تهیه می‌کنند چنانچه سال بر آن بگذرد خمس دارد.
- مسألة ۱۵۰۲ - هر مالی را که یک‌بار خمس آن را بدهند دیگر خمس به آن تعلق نمی‌گیرد، مگر اینکه نمو کنند یا قیمت آن اضافه شود.
- مسألة ۱۵۰۳ - همانگونه که اشاره شد هزینه سفر حج با زیارت‌های مستحبی اگر از درآمد همان سال باشد خمس ندارد و اگر ناچار باشد از چند سال قبل اسم نویسی کند و هزینه را بدهد جزء مخارج همان سالش محسوب می‌شود و خمس ندارد، نه در آن سال و نه در سالهای بعد.
- مسألة ۱۵۰۴ - کسی که درآمدی از کسب و کار به دست آورده اگر مال دیگری هم دارد که خمس آن واجب نیست یا خمس آن را داده، می‌تواند آن دو را از هم جدا کند و مخارج سال خود را فقط از فایده کسب آن سال بردارد، اما اگر مخارج خود را از پولی که خمس ندارد یا خمسش را قبلاً داده است بردارد، نمی‌تواند این مخارج را از درآمد آن سال کم کند.
- مسألة ۱۵۰۵ - اگر از درآمد کسب و کار آذوقه‌ای برای مصرف سالش خریده، چنانچه چیزی در آخر سال از آن زیاد بماند باید خمس آن را بدهد و احتیاط این است که حتی اشیاء کم اهمیت را مانند مختصر مواد غذایی اضافی و امثال آن را هر چه هست حساب کند و باید توجه داشت که اگر می‌خواهد قیمت آنها را بدهد باید قیمت همان آخر سال را در نظر بگیرد خواه کمتر از خرید باشد یا بیشتر.
- مسألة ۱۵۰۶ - اگر در اثناء سال وسایل مورد نیاز خود را بخرد خمس ندارد و اگر بعداً از آن وسایل بی‌نیاز شود خمس دادن آن لازم نیست، همچنین زیور آلات زنانه اگر بعد از گذشتن سن و سالی از زن، مورد نیازش خمس به آن تعلق نمی‌گیرد، ولی احتیاط مستحب آن است که خمس این وسایل یا زیور آلات را بدهد.
- مسألة ۱۵۰۷ - کتابهایی را که طلاب علوم دینی یا غیر آنها از درآمد کسب و کار می‌خرند چنانچه مورد نیازشان باشد خمس ندارد، ولی اگر فعلاً نیازی به آن ندارند و مقصودشان

استفاده در آینده است خمس به آن تعلق می‌گیرد (مقصود از نیاز این نیست که همه روز یا همه ماه از آن استفاده کند بلکه اگر در تمام طول سال نیز از آن استفاده نکند، ولی وجود آن کتاب برای مواقع ضروری در کتابخانه لازم است، نیاز محسوب می‌شود) همچنین وسایلی مانند اسباب آتش نشانی در جاهایی که بیم آتش سوزی است یا داروهای ضروری و کمکهای اولیه در خانه جزء هزینه‌های زندگی محسوب می‌شود و خمس ندارد هر چند اتفاقاً در تمام سال از آنها استفاده نشود.

مسئله ۱۵۰۸ - اگر در یک سال منفعتی نبرد، بنابراین احتیاط نمی‌تواند مخارج آن سال را از منافع سال بعد کم کند.

مسئله ۱۵۰۹ - هرگاه در ابتدای سال منفعتی نداشته باشد و از سرمایه خرج کند، اما پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد، در این صورت می‌تواند آنچه را از سرمایه برداشته از منافع کم کند.

مسئله ۱۵۱۰ - سرمایه‌ای که مورد نیاز است و با کمتر از آن زندگی او در حد آبرو و شؤنش اداره نمی‌شود خمس ندارد، یعنی می‌تواند از درآمد همان سال و سالهای بعد بردارد و جزء سرمایه کند، ولی اگر با پرداختن خمس آن، لطمه‌ای به کار او نمی‌خورد، باید خمس آن را بدهد، خواه این سرمایه تجارت باشد یا زمین و آب و ملک برای زراعت، یا ابزار کار.

مسئله ۱۵۱۱ - اگر چیزی از سرمایه به خاطر کسب و کار از بین برود بطوری که جزء ضرر معامله حساب شود، می‌تواند مقدار آن را از منافع بردارد، ولی اگر به واسطه حوادث دیگری از بین برود (مانند سرقت و امثال آن) نمی‌تواند آن را از منافع کم کند، مگر اینکه با سرمایه باقیمانده نتواند کسبی که سزاوار شأن اوست انجام دهد.

مسئله ۱۵۱۲ - هرگاه غیر از سرمایه چیز دیگری از اموال او به خاطر شکستن و سوختن و سرقت و غیر آن از بین برود اگر در همان سال به آن احتیاج دارد می‌تواند آن را از منافع همان سال تهیه کند.

مسئله ۱۵۱۳ - هرگاه در ابتدای سال برای مخارج خود قرض کند و قبل از تمام شدن سال منفعتی ببرد می‌تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید و اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای این مخارج خود قرض نماید می‌تواند قرض خود را از منافع سالهای

بعد ادا کند.

مسألة ۱۵۱۴ - قرضهایی که بر ذمه انسان آمده خواه برای هزینه زندگی باشد، یا خسارت و غرامت و یا غیر اینها، می تواند از در آمد سال آنها را ادا کند، ولی قرضهایی را که به اقساط می پردازد فقط قسطهایی را که در آن سال باید پردازد جزء مخارج آن سال محسوب می شود.

مسألة ۱۵۱۵ - اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد قرض کند نمی تواند آن قرض را از منافع سال کم کند، ولی اگر مالی را که قرض کرده یا چیزی را که از قرض خریده به هلثی از بین برود و ناچار شود قرض خود را بدهد می تواند از منافع و در آمدهای آن سال، قرض خود را ادا کند.

مسألة ۱۵۱۶ - انسان تا خمس مال را ندهد نمی تواند در آن تصرف کند و نیت دادن خمس به تنهایی کافی نیست، همچنین نمی تواند خمس را به ذمه بگیرد و در مال تصرف کند و چنانچه تصرف کند کار حرامی کرده و اگر آن مال تلف شود باید خمس آن را بدهد.

مسألة ۱۵۱۷ - کسی که بدهکار خمس است اگر با حاکم شرع (با در نظر گرفتن مصلحت مستحقین) مصالحه و دستگردان کند می تواند در تمام مال تصرف نماید و اگر بعد از آن منافعی از آن مال به دست آید مال خود اوست.

مسألة ۱۵۱۸ - کسی که با دیگری شریک است و می داند شریکش خمس در آمد خود را نمی دهد، ادامه شرکت برای او جایز نیست و تصرف در مال شرکت بعد از تعلق خمس برای هر دو حرام است.

مسألة ۱۵۱۹ - انسان نمی تواند در مالی که یقین دارد خمسی را نداده اند تصرف کند، ولی در مال کسی که شک دارد خمس آن داده شده یا نه، تصرف جایز است و قبول بخشش و معامله یا شرکت در میهمانی چنین کسی اشکالی ندارد و تفحص و جستجو لازم نیست.

مسألة ۱۵۲۰ - کسی که از اول تکلیف، خمس نداده و درآمدهایی پیدا کرده و وسایلی برای زندگی خود خریده است و الان متوجه وظیفه خمس شده و می خواهد تکلیف خود را درباره آن ادا کند و زندگی خود را پاک نماید اگر از منافع کسب، چیزی را که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته باید خمس آن را بدهد و اگر اثاث خانه و



چیزهای دیگری که به آنها نیاز دارد مطابق شأن خود خریده، پس اگر بداند در بین سالی که در آن سال فایده برده آنها را خریده است لازم نیست خمس آن را بدهد و اگر نداند که در بین سال یا بعد از تمام شدن سال بوده بنا بر احتیاط واجب باید با حاکم شرع یا نماینده او مصالحه کند، یعنی تمام اموال مشکوک خود را حساب کرده و حاکم شرع بدهی او را از جهت خمس به مقداری تخمین می‌زند و با او مصالحه می‌کند و با پرداخت آن تمام اموالش پاک می‌شود.

مسئله ۱۵۲۱ - هرگاه بچه صغیر در آمدی داشته باشد و از هزینه سال او اضافه بماند بنا بر احتیاط واجب باید بعد از آنکه بالغ شد خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۵۲۲ - لباسهای متعدد و همچنین انگشتر و زیور آلات و وسایل مختلف زندگی، اگر همه آنها مورد نیاز و در حد شأن او باشد و از درآمد همان سال تهیه شده باشد خمس ندارد، ولی اگر زاید بر نیاز و شأن باشد مقدار زیادی خمس دارد.

مسئله ۱۵۲۳ - پولی را که خرج خریدن وسایل حرام می‌کند (مانند انگشتر طلا برای مرد و وسایل لهر و لعب) خمس دارد.

مسئله ۱۵۲۴ - حقوق بازنشستگی و یا مبلغی که به عنوان بازخرید کار داده می‌شود جزء درآمد همان سال محسوب می‌گردد و اگر چیزی تا آخر سال از آن باقی نماند خمس ندارد، اما اگر اضافه بماند خمس دارد.

مسئله ۱۵۲۵ - جوایزی که به پس اندازها تعلق می‌گیرد اگر قراردادی میان پس اندازکننده و پس اندازگیرنده نباشد حلال است و بنا بر احتیاط واجب با گذشتن سال خمس آن واجب می‌شود، این در صورتی است که پس اندازکننده خود را طلبکار جایزه نداند، بلکه پس اندازگیرنده شخصاً برای تشویق پس اندازکنندگان جوایزی می‌دهد.

## ۲ - معادن

مسئله ۱۵۲۶ - واجب است خمس چیزی را که از معادن طلا، نقره، سرب، آهن، مس، زغال سنگ، نفت، گوگرد، فیروزه، نمک و معدنهای دیگر و انواع فلزات به دست می‌آورند بدهند و احتیاط واجب آن است که نصاب معینی در آن نیست، یعنی آنچه را از معدن استخراج می‌کنند کم باشد یا زیاد خمس دارد.

مسألة ۱۵۲۷ - گنج و آهک و گل سرخ و مانند آن اگر به آنها معدن گفته شود باید خمس آن را بدهد، همچنین انواع سنگها.

مسألة ۱۵۲۸ - معدن، خواه روی زمین باشد یا زیر زمین، در زمین ملکی باشد یا در جایی که مالک ندارد، استخراج کننده آن مسلمان باشد یا غیر مسلمان، بالغ باشد یا غیر بالغ، در تمام این صورتها باید خمس آن پرداخته شود و در صورتی که کودک باشد ولی او می پردازد.

مسألة ۱۵۲۹ - مخارج و هزینه استخراج معدن و تصفیه (در صورتی که احتیاج به تصفیه دارد) و همچنین اجاره ای را که جهت معدن می پردازد از آن کم می شود و باقیمانده خمس دارد، ولی مخارج سال از درآمد معدن کسر نمی شود.

مسألة ۱۵۳۰ - اگر چند نفر چیزی را از معدن استخراج کنند باید بعد از کم کردن مخارج خمس آن را بدهند، خواه کم باشد یا زیاد (بنا بر احتیاط واجب).

مسألة ۱۵۳۱ - اگر معدنی را که در ملک دیگری است استخراج کند، آنچه از آن به دست می آید مال صاحب آن زمین است و چون صاحب ملک برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده، باید خمس تمام آنچه از معدن استخراج شده بدهد، ولی اگر این کار به دستور او انجام گرفته هزینه آن بر عهده اوست و از درآمد معدن کم می شود.

مسألة ۱۵۳۲ - هرگاه معدن از معادن عظیمه و در اراضی مباح یا ملکی باشد حاکم شرع (مجتهد عادل) حق دارد بر اخراج و صرف آن در مصارف مسلمین نظارت کند و در این صورت استخراج کنندگان باید نظر حاکم شرع را رعایت کنند.

مسألة ۱۵۳۳ - اگر حکومت اسلامی معدنی را استخراج کند خمس به آن تعلق نمی گیرد.

### ۲ - گنج

مسألة ۱۵۳۴ - (گنج) مالی است که در زیر زمین، یا کوه یا دیوار، یا درون درخت پنهان کرده باشند و در عرف به آن گنج گویند.

مسألة ۱۵۳۵ - اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند و مالک آن گنج به هیچ وجه شناخته نیست مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد و نیز اگر در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند و بداند مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده اند نیست،

مال خود او می شود و باید خمس آن را بدهد، ولی اگر احتمال می دهد که مال یکی از آنان است، بنا بر احتیاط واجب باید به مالک قبلی اطلاع دهد چنانچه معلوم شود مال او نیست به کسی که پیش از او، مالک آن زمین بوده اطلاع می دهد و به همین ترتیب به تمام کسانی که پیش از او مالک زمین بوده اند و آنها را می شناسد خبر می دهد، اگر معلوم شود مال هیچ یک از آنان نیست مال خود او می شود و باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۵۳۶ - گنج دارای نصاب است و نصاب آن صد و پنج مثقال نقره یا پانزده مثقال طلا است، یعنی اگر قیمت چیزی را که از گنج به دست آمده به این مقدار برسد خمس آن واجب است، اما اگر کمتر از آن باشد خمس آن واجب نیست و اگر قیمت آن به پانزده مثقال طلا نرسد ولی به صد و پنج مثقال نقره برسد باز خمس آن واجب است و همچنین عکس آن.

مسئله ۱۵۳۷ - اگر در ظرفهای متعددی که در یک جا دفن شده مالی پیدا کند که قیمت آن روی هم رفته به حد نصاب برسد، باید خمس آن را داد، ولی اگر گنجهای متعددی در جاهای مختلف پیدا کند هر کدام از آنها که قیمتش به حد نصاب برسد خمس دارد و لازم نیست آنها را روی هم حساب کند.

مسئله ۱۵۳۸ - هرگاه برای استخراج گنج، مخارجی کرده، مقدار آن را کم می کند و خمس بقیه را می دهد.

مسئله ۱۵۳۹ - اگر دو یا چند نفر گنجی پیدا کنند همه در آن شریکند و طبق قراردادی که دارند عمل می کنند و سهم هر یک به حد نصاب برسد خمس دارد.

مسئله ۱۵۴۰ - هرگاه کسی حیوانی را بخرد و در شکم آن مالی پیدا شود، چنانچه احتمال دهد مال فروشنده است بنا بر احتیاط واجب باید به او خبر دهد و اگر معلوم شود مال او نیست باید به ترتیب از صاحبان قبلی سؤال کند، چنانچه معلوم شود مال هیچ یک از آنان نیست مال خود او می شود و احتیاط مستحب آن است که خمس آن را شبیه خمس معدن بدهد خواه به اندازه نصاب باشد یا نه.

مسئله ۱۵۴۱ - هرگاه کسی ماهی خریداری کند و گوهری در دل آن بیابد مال خود اوست، نه مال صیادی که قبلاً آن را صید کرده و به دیگری فروخته و نه مال فروشنندگان قبل از او و احتیاط مستحب آن است که خمس آن را بدهد.

## ۴ - مال مخلوط به حرام

مسألة ۱۵۴۲ - هرگاه مال حلال با حرام مخلوط شود به طوری که انسان نتواند آنها را از هم تشخیص دهد و مقدار مال حرام و همچنین صاحب آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام آن مال را بدهد و بقیه برای او حلال است.

مسألة ۱۵۴۳ - هرگاه مال حلال با حرام مخلوط گردد اگر مقدار آن را بداند (مثلاً بداند یک سوم آن حرام است) ولی صاحب آن را نشناسد باید آن مقدار را بنا بر احتیاط واجب به مصرفی برساند که هم مصرف خمس باشد و هم صدقه (مانند سادات فقیر)

مسألة ۱۵۴۴ - هرگاه مال حلال با حرام مخلوط شود و مقدار حرام را نداند، ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی کنند و چنانچه صاحب مال راضی نشود در صورتی که بداند مقدار معینی قطعاً مال اوست. (مثلاً یک چهارم مال) و در بیشتر از آن شک داشته باشد باید مقداری را که یقین دارد به او بدهد و مقدار بیشتر را که احتمال می دهد مال اوست با او نصف کند.

مسألة ۱۵۴۵ - هرگاه خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، بنا بر احتیاط واجب باید مقداری را که می داند از خمس بیشتر بوده به مصرفی برساند که هم مصرف خمس باشد و هم صدقه.

مسألة ۱۵۴۶ - هرگاه خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد، بعد صاحبش پیدا شود، بنا بر احتیاط واجب باید عوض آن را به او بدهد، همچنین اگر مالی که صاحبش را نمی شناسد به نیت صدقه از جانب صاحبش بدهد و بعد صاحبش پیدا شود و راضی نشود.

مسألة ۱۵۴۷ - هرگاه انسان بداند مال او با اموال دیگران مخلوط شده و مقدار آن معلوم باشد و بداند که مالک آن از چند نفر معین بیرون نیست، ولی نتواند مالک را به طور معین تشخیص دهد، باید در بین همه آنها به طور مساوی تقسیم کند.

## ۵ - جواهراتی که با غواصی به دست می آید

مسألة ۱۵۴۸ - هرگاه انسان به واسطه فرو رفتن در دریا جواهراتی مانند لؤلؤ و مرجان و مانند آن از دریا بیرون آورد باید خمس آن را بدهد، به شرط آنکه قیمت آن بعد از کم کردن

مخارج بیرون آوردن کمتر از یک مثقال شرعی طلای سکه دار نباشد (مثقال شرعی ۱۸ نخود است) خواه آن جواهرات معدنی باشد یا رویدنی و خواه در یک مرتبه از دریا بیرون آورد یا در چند دفعه هشت سر هم و با فاصله که هر فای یک مرتبه حساب شود، از یک جنس باشد یا از چند جنس.

مسألة ۱۵۴۹ - هرگاه چند نفر جواهراتی را از دریا بیرون آورند بنا بر احتیاط لازم نیست سهم هر کدام به اندازه نصاب برسد، بلکه اگر مجموعاً به اندازه نصاب باشد باید خمس آن را بدهد.

مسألة ۱۵۵۰ - هرگاه بدون فرو رفتن در دریا جواهرات را با اسبابی بیرون آورند و یا از روی آب دریا و یا از کنار دریا بگیرند، چنانچه قیمت آن بعد از کم کردن مخارج به حد نصاب برسد احتیاط واجب آن است خمس آن را بدهند.

مسألة ۱۵۵۱ - ماهی و حیوانات دیگری را که از دریا می گیرند خمس ندارد، ولی جزء در آمد کسب حساب می شود که اگر در آخر سال چیزی از آن یا قیمت آن اضافه بماند خمس دارد.

مسألة ۱۵۵۲ - لازم نیست انسان به قصد صید جواهرات در دریا فرو برود بلکه اگر به قصد دیگری برود و جواهراتی به دستش آید باید خمس آن را بدهد.

مسألة ۱۵۵۳ - هرگاه انسان در دریا فرو رود و حیوانی را بیرون آورد که در شکم آن جواهری باشد که قیمتش بعد از کم کردن مخارج به حد نصاب برسد، چنانچه آن حیوان مانند صدف باشد که نوها در شکمش جواهر است باید مس آن را بدهد و اگر اتفاقاً آن جواهر را بلعیده باشد باز احتیاط واجب پرداختن خمس آن است.

مسألة ۱۵۵۴ - جواهراتی که از رودخانه های بزرگی که محل پرورش جواهر و صید صدف است بیرون می آورند نیز خمس دارد.

مسألة ۱۵۵۵ - «عنبر» ماده خوش بویی که از دریا می گیرند، هرگاه به وسیله خواصی بیرون آورند خمس دارد و اگر از روی آب، یا کنار دریا به دست آورند باز هم بنا بر احتیاط واجب باید خمسش را بدهند.

مسألة ۱۵۵۶ - کسانی که کارشان خواصی یا بیرون آوردن معادن است هرگاه خمس آنها را بدهند و در آخر سال چیزی از مخارج سالشان زیاد بماند لازم نیست دوباره خمس بدهند.

## ۶ - غنائم جنگی

مسئله ۱۵۵۷ - هرگاه مسلمانان به دستور امام معصوم با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند باید خمس آن را بدهند اما مخارجی را که برای حفظ غنیمت و حمل و نقل آن کرده‌اند از آن کم می‌شود.

مسئله ۱۵۵۸ - هرگاه مسلمانان به اذن نایب خاص، یا نایب عام امام علیه السلام اقدام به جنگ بر ضد کفار کنند و غنایمی به دست آورند احتیاط واجب آن است که خمس آن را بپردازند.

مسئله ۱۵۵۹ - سلاحهای بزرگی که در جنگهای امروز در غنایم به دست می‌آید و مصرف شخصی ندارد، مانند تانکها و توپها، حاکم شرع و ولی امر مسلمین می‌تواند آن را منحصرأ در اختیار ارتش اسلام قرار دهد.

مسئله ۱۵۶۰ - مسلمانان حق دارند اموال کفاری را که با آنها در حال جنگ هستند تملک کنند و باید خمس آن را بدهند.

مسئله ۱۵۶۱ - غنایم جنگی که خمس آن را باید داد منحصر به غنایم منقول است که با دادن خمس ملک جنگجویان است، اما زمینهایی که از کفار یا جنگ با دست می‌آید خمس ندارد و ملک همه مسلمین است.

مسئله ۱۵۶۲ - هرگاه گروهی از مسلمانان بر ضد گروه دیگری تجاوز کنند باید جلو متجاوز را گرفت تا به حکم خدا گردن نهد و اگر مسلمانان در این میان غنایمی به دست آورند نمی‌توانند آن را ملک خود سازند، بلکه باید نگهداری کنند و به موقع به آنها بازگردانند، مگر چیزهایی که اگر در دست آنها باشد منشأ فساد و ادامه تجاوز می‌شود که با اجازه حاکم شرع از آن استفاده صحیح می‌شود.

## ۷ - زمینی که کافر ذمی از مسلمان می‌خرد

مسئله ۱۵۶۳ - هرگاه کافر ذمی، یعنی کفاری که به صورت یک اقلیت سالم در کنار مسلمانان زندگی می‌کند و شرائط ذمه را پذیرفته است، زمینی را از مسلمان بخرد باید یک پنجم عواید را به جای یک دهم زکات معمولی بپردازد.

مسئله ۱۵۶۴ - هرگاه کافر ذمی زمینی را که از مسلمانی خریده به مسلمان دیگری بفروشد خمس ساقط نمی‌شود، همچنین اگر بمیرد و مسلمانی آن زمین را از او به ارث برد احتیاط

آن است که خمس آن را بپردازد، و اگر کافر ذمی در موقع خرید زمین شرط کند که خمس آن را ندهد، یا شرط کند که فروشنده خمس آن را بدهد، شرط او باطل است و باید خمس آن را خودش بپردازد، ولی اگر شرط کند فروشنده به جای او مقدار خمس را بدهد عمل به این شرط لازم است.

مسألة ۱۵۶۵ - هرگاه مسلمان زمینی را بدون خرید و فروش ملک کافر کند و عوض آن را بگیرد، مثلاً به او صلح نماید، بنا بر احتیاط واجب باید کافر ذمی خمس آن را بدهد.

### مصرف خمس

مسألة ۱۵۶۶ - خمس را باید دو قسمت کرد: یک قسمت آن سهم مبارک امام علیه السلام است و نیم دیگر سهم سادات. سهم سادات را باید به سادات فقیر یا یتیم نیازمند، یا ساداتی که در سفر و امانده‌اند و نیازمند هستند، داد (هر چند در محل خود فقیر نباشند) ولی سهم امام علیه السلام را در زمان ما باید به مجتهد عادل یا نماینده او داد، تا در مصارفی که مورد رضای امام علیه السلام است از مصالح مسلمین و مخصوصاً اداره حوزه‌های علمیه و مانند آن مصرف کند.

مسألة ۱۵۶۷ - صرف کردن قسمتی از سهم مبارک امام علیه السلام برای ساختن مساجد یا حسینیه‌ها یا بیمارستان و درمانگاه و مدارس، تنها در صورتی مجاز است که با اجازه مجتهد عادل و رعایت اولویت باشد، ولی سهم سادات را جز در مورد ساداتی که گفته شد نمی‌توان مصرف کرد.

مسألة ۱۵۶۸ - بدهکار می‌تواند اگر مجتهد صلاح ببیند با او یا نماینده او مقدار بدهی خود را دست گردان کند و به ذمه بگیرد و به اقساط بپردازد.

مسألة ۱۵۶۹ - سهم سادات را بدون اجازه مجتهد نمی‌توان به ساداتی که در بالا گفته شد پرداخت، (بنا بر احتیاط واجب) و سهم امام علیه السلام را نیز اگر بدون اجازه مجتهد بپردازد قبول نیست، مگر اینکه مجتهد بعداً بپذیرد و اجازه دهد.

مسألة ۱۵۷۰ - کسی که بدهی زیادی از خمس دارد و قادر به ادای آن نیست اگر مجتهد مصلحت ببیند ممکن است مقداری از سهم امام علیه السلام را به خودش ببخشد.

مسألة ۱۵۷۱ - اگر کسی بخواهد سهم امام علیه السلام را به مجتهدی که از او تقلید نمی‌کند بدهد

در صورتی مجاز است که بداند آن مجتهد و مجتهدی که از او تقلید می‌کند سهم امام را یک طور مصرف می‌کنند.

مسألة ۱۵۷۲ - به سیدی که عادل نیست می‌توان خمس داد، ولی احتیاط واجب آن است به کسی بدهند که آشکارا گناه نکند و اگر در سفر مانده است در صورتی می‌توان به او خمس داد که سفرش سفر معصیت نباشد، مگر اینکه توبه کند و باقیمانده سفر را در طریق معصیت انجام ندهد.

مسألة ۱۵۷۳ - به سیدی که دوازده امامی نیست نمی‌توان خمس داد و همچنین به کسی که واجب النفقه است، مثلاً انسان نمی‌تواند به زنش که سیده است خمس خود را بدهد، مگر اینکه آن زن ناچار باشد مخارج اشخاص دیگری را که واجب النفقه مرد نیستند پردازد.

مسألة ۱۵۷۴ - سید بودن سادات از راههای زیر ثابت می‌شود:

۱ - دو نفر عادل سید بودن او را تصدیق کنند (یک نفر نیز کافی است).

۲ - در شهر و منطقه خود مشهور باشد که سید است، خواه این شهرت سبب یقین شود یا گمان

مسألة ۱۵۷۵ - سادات فقیری که مخارج آنها بر دیگری واجب است اگر آن شخص نتواند خرج او را بدهد می‌توان به او خمس داد، مثلاً زن سیده‌ای که شوهرش قادر به اداره زندگی او نیست می‌تواند خمس بگیرد.

مسألة ۱۵۷۶ - بنا بر احتیاط واجب سادات نمی‌توانند بیش از مخارج یک سال خود را از خمس بگیرند.

مسألة ۱۵۷۷ - بردن خمس از شهری به شهر دیگر مانعی ندارد، خواه در شهر خودش مستحق باشد یا نه، ولی در هر صورت اگر تلف شود احتیاط واجب آن است که از اموال دیگرش پردازد، مخارج حمل و نقل نیز بر عهده اوست، اما اگر به نماینده حاکم شرع دهد و از شهری به شهری دیگر برد و تلف شود چیزی بر او نیست.

مسألة ۱۵۷۸ - در صورتی که سادات فقیر نیاز به سرمایه‌ای برای کسب و کار داشته باشند می‌توان از باب خمس به آنها داد (البته به مقداری که نیاز زندگی آنها را تأمین کند).

مسألة ۱۵۷۹ - هرگاه سهم سادات بیش از نیاز سادات باشد باید آن را به مجتهد عادل داد